

# دیوان مهم در عهد ایلخانی

• احمد فروغ بخش

زمان بود که به سعی و تلاش شمس الدین محمد جوینی، که سمت صاحب دیوانی هولاکو خان را داشت و دیوانسالارانی چون او، نظم و ترتیبی به دفاتر و ادارات مملکت داده شد و با گذشت مدت کوتاهی، امور دیوانی بار دیگر نظام یافت. برای آنکه کار اداره کشور مختل نشود، سعی شد تا نیروهای متخصص دیوانی بار دیگر گردآوری شود و این مهم را به خصوص خواجه نصیر الدین توسی در همان اوایل حکومت ایلخانان برعهده گرفت: «خواجه پناهگاه دیوانیانی بود که خود را از خطر مغولان در امان نمی دیدند. اینان که در حکومت پیشین مناصبی داشتند با التجاء به خواجه و شفاعت وی نزد ایلخان توانستند بار دیگر به مناصب اداری دست یابند و بدین ترتیب نقش مهمی در بازسازی ادارات مملکت داشتند. کتاب این فوطی پر است از نام و نشان این گونه شخصیت‌های دیوانی»<sup>۲</sup>

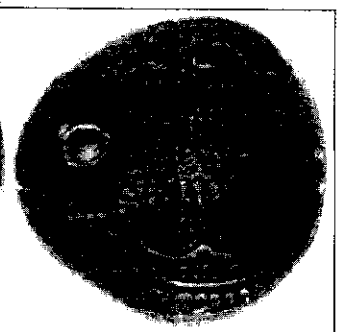
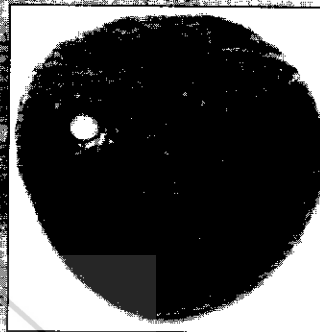
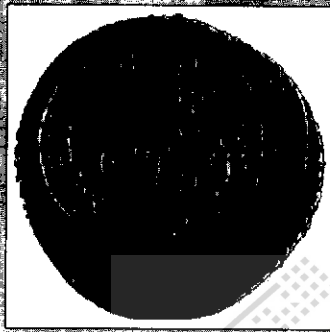
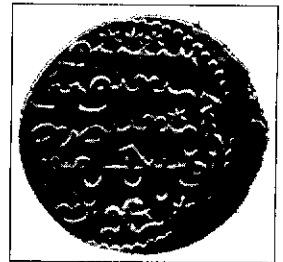
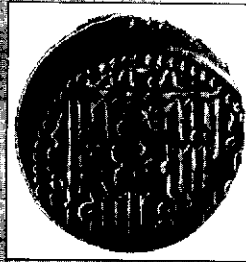
این روند در سال‌های بعد نیز دنبال شد. گویا زبده‌ترین کارکنان دیوانی را در «دیوان بزرگ» به کار می‌گرفتند. حکام محلی موظف بودند تا چنانچه نیروی متخصصی در اختیار دارند، جهت کار در دیوان بزرگ به مرکز اعزام کنند؛ مؤلف کتاب سبط‌العلی از اعزام چند تن از دیوانسالاران ایرانی که در عهد پادشاه خاتون در کرمان مشغول به کار بودند، به مرکز خبر می‌دهد: «مولانا تاج‌الحق قاضی خواف را که بقیه اکابر عالم و کارساز خواتین و سلاطین امم بود و علی خازن و خواجه نصیرالدین یوسف را به بندگی گیخاتو و دیوان بزرگ فرستاد»<sup>۳</sup>

در کنار امور اداری مملکت، امور مربوط به «درگاه» قرار داشت که آن نیز توسط «دیوان سلطنت» یا «دیوان اعلی» اداره می‌شد.



تشکیلات اداری و دیوانی در دوران ایلخانان تا حدی ادامه همان وضعی بود که در دوره سلجوقیان پایه‌ریزی شده بود، با این تفاوت که مغولان بر اساس قوانین و آداب و رسوم خود سبب تغییراتی در نظام اداری شده بودند که منبعت از نظام قبیله‌ای و شرایط خاص اجتماعی آنان بود. با این حال، تأثیر این شرایط بر ساختار اداری ایران چندان شدید و دگرگون‌کننده نبود.

با شروع هجوم مغولان به ایران امور دیوانی دچار آشوب و درهم ریختگی گردید و این بی‌نظمی تا سال ۶۵۹ ه. ق دوام داشت. از این



دیوان سلطنت:

چنانکه از نام آن پیداست، امور مربوط به ایلخان و خانواده سلطنتی به وسیلهٔ این دیوان انجام می‌گرفت. اطلاعات راجع به این دیوان چندان زیاد نیست. ریاست این دیوان - یا به قول و صاف - «نیابت» آن با وزیر بود. وزیر از سوی خود «نوابی» در دیوان سلطنت داشت. نواب دیوان سلطنت لقب «مشیرالدوله» داشتند. نوروز، امیرالامرای غازان خان، هنگامی که جمال‌الدین دستجردی را به وزارت انتخاب کرد نیابت «دیوان حضرت» را هم به وی تفویض نمود.<sup>۷</sup> چنانکه مشاهده می‌شود گاه انتصاب نیابت دیوان نیز توسط امیرالامرا که مقام دوم مملکت - بعد از ایلخان - بود، انجام می‌گرفت. امور مربوط به «درگاه» یا «دربار» ایلخان، شاهزادگان و خواتین و املاک و دارایی‌های آنها نیز به وسیله این دیوان نظارت و بررسی می‌شد. دیوان سلطنت دارای عایدات و هزینه‌هایی بود. عمده‌ترین درآمد دیوان عایدات ناشی از املاک سلطنتی بود و کلیهٔ دارایی‌های سلاطین پس از فوت به حکمران جدید می‌رسید.<sup>۸</sup> اباق‌خان به هنگام جلوس کلیه املاک متعلق به خود را به «التاجواقا» حواله فرمود.<sup>۹</sup>

عایدات دیوان سلطنت در یک خزانه جمع‌آوری می‌شد که به «خزانه خاص حضرت اعلی» معروف بود. در این خزانه تنها «مال» به شکل مسکوکات و جواهرات نبود، بلکه خزانه مملو از اشیاء گرانقیمت و جامه‌های زرباف و با ارزش بود. املاک سلطنتی نیز به صورت «ضمان» به افراد واگذار می‌شد؛ در پایان هر سال باید صورت عواید و پرداخت‌ها را به دیوان اعلی «جواب» می‌دادند و امور مربوط

به آن را صاحب دیوان مورد رسیدگی قرار می‌داد. بعد از حسابرسی «حجتی به طریقه تمسک از دیوان به خط نویسندگان دیوان و علامت صاحب دیوان بدو بدهند تا در ایامی دیگر که در مملکت توجیه کند هیچ دعوی بر او نباشد.»<sup>۱۱</sup>

عایدات صرف هزینه‌های مربوط به سلطان، خاندان او و شاهزادگان می‌شد. موارد مربوط به ایلخان با عنوان «مهمات پادشاهان» در کتاب نخجوانی آمده است:

«ترتیب کرکیراق \* و مصالح اردوها و... مساس خانه \*\* و اختاخانه \*\*\* و تدبیر سیورغامیشات و نوازش دوستان و قهر دشمنان و تعیین مرسوسات و جامگیات امرا و ایناقان و عساکر منصوره و سایر لوازم و لواحق سلطنت...»<sup>۱۲</sup> که به آن «اطلاقیه»<sup>۱۳</sup> نیز گفته می‌شد. این گونه هزینه‌ها را بر عهده افرادی با عنوان «وکیل خرج» می‌گذاشتند. وی نماینده ایلخان در رسیدگی به حوائج دربار، اردوها و امور «خرگاه» بود.<sup>۱۴</sup> گاه در منابع از وکیل خرج به عنوان «امین‌الدوله»<sup>۱۵</sup> یاد شده است. بخش دیگر هزینه‌ها یا پرداخت‌های دیوان سلطنت مربوط به «مقرری» بود که شامل ادراارات، صدقات و حقوق کارمندان دیوان نیز می‌شد. ایلخانان حمایت از علما و مشایخ و زهاد را همچون سلاطین سابق از وظایف خود می‌دانستند، البته وزرا نیز آنها را در این کار تشویق می‌کردند. در مکتوبی از رشیدالدین فضل‌الله در باب مولانا محمد رومی نامی که تدریس در مدرسهٔ ارزنجان به او واگذار شده بود، آمده که «در باب این ادراارات از دیوان اعلی حکم نوشته‌ایم و به مهرامرای مغول و تاجیک و آنتون تمغا و پادشاه آل تمغا به ما رسیده مبنی بر آنک هر سال بی تعلل و تهاون

در دورهٔ ایلخانان زبده‌ترین کارکنان دیوانی را در «دیوان بزرگ» به کار می‌گرفتند

عمده‌ترین درآمد دیوان سلطنت حاصل عایدات ناشی از املاک سلطنتی بود و کلیهٔ دارایی‌های سلاطین پس از فوت به حکمران جدید می‌رسید

در دوره ایلخانان برخی مناصب بین دیوان سلطنت و دیوان وزیر مشترک بود، مانند منصب «حکم الممالک» که «محاکم دیوان سلطنت و وزارت» برعهده او گذاشته شده بود

این ادارات مذکور را از مال ارزنجان مجری دارند...<sup>۱۶</sup>

البته باید توجه داشت که پرداخت صدقات و ادارات و انعامات نیز به وسیله دیوان وزارت انجام می گرفت.<sup>۱۷</sup> گاه حقوق برخی از مشاغل و رؤسای دیوان ها را از دیوان سلطنت پرداخت می کردند. در کتاب نخجوانی گفته شده که بخشی از حقوق رئیس دیوان انشاء یا «انشاء ممالک» باید از طریق دیوان اعلی پرداخت شود.<sup>۱۸</sup> باید توجه داشت که عایدات و هزینه های دیوان سلطنت و دیوان بزرگ گاه به هم بسیار مرتبط می شود و اصولاً فرق آن دو دیوان - چنانکه لمبتون هم اشاره دارد<sup>۱۹</sup> - کار بسیار مشکلی است. بنابراین گاه دیده می شود که پرداخت حقوق دیوانیان را به دیوان سلطنت حواله می کردند و نیز مخارج نگهداری سپاه را که باید دیوان بزرگ می پرداخت، به دیوان سلطنت ارجاع می دادند.

بخش های دیگری نیز در مجموعه دیوان سلطنت قرار داشت که گاه در منابع به آنها اشاره شده است؛ کتاب رساله فلکیه برخی از این قسمت ها را همراه با وظایف هر یک آورده است، از جمله: «طشت خانه» که امور تشریفات دربار را برعهده داشت. «بیت الرکاب» یا به تعبیر امروزی، امور حمل و نقل که در واقع اداره اصطبل ها و طویله های سلطنتی را انجام می داد و وزیر نظر صاحب منصبی به نام «اختاچی» بود. «فراش خانه» که امور خدمتگزاران و خادمان دربار را برعهده داشت. «بیت الزرد» که امور تدارکات سلاح و آلات جنگی سپاه را انجام می داد.<sup>۲۰</sup> برخی مناصب بین دیوان سلطنت و دیوان وزیر یا دیوان بزرگ مشترک بود، مانند منصب «حکم ممالک»<sup>۲۱</sup> که «محاکم دیوان سلطنت و وزارت» برعهده او گذاشته شده بود.

#### دیوان وزارت (دیوان بزرگ):

دیوان وزارت بالاترین و مهم ترین دیوان مملکت محسوب می شد. گرچه دیوان سلطنت را دیوان اعلی لقب داده بودند، اما در عمل این دیوان بزرگ بود که نظارت بر کلیه دیوان ها را انجام می داد و بقیه دیوان ها در ذیل آن قرار می گرفتند. کلیه امور کشور و برخی از احتیاجات لشکری برعهده وزیر قرار می گرفت. احکام دیوان بزرگ توسط وزیر صادر می شد و بدین ترتیب امور محوله اجرا می گردید. صاحبان مشاغل و مناصب مختلف دیوانی در ایالات و ولایات خود را مطیع «دیوان بزرگ» می دانستند و کلیه امور را به سمع و نظر وزیر می رساندند. وزیر وظایف خود را با کمک «نواب دیوان» انجام می داد.<sup>۲۲</sup>

واگذاری مناصب به وسیله دیوان بزرگ بر اساس قاعده «موجلگا» (تعهدنامه) بود که از پذیرنده منصب گرفته می شد. البته

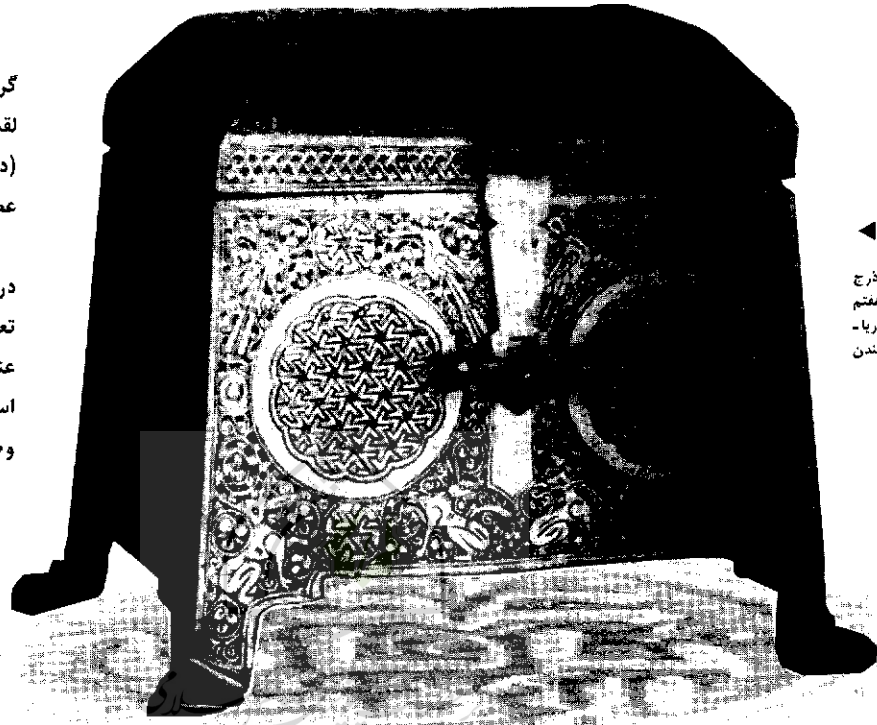
باید توجه داشت که در واگذاری هر منصب، نظرایلخان نیز شرط بود. بدین ترتیب که وی، گاه منصبی را واگذار می کرد و بعد از آن در دیوان بزرگ از کسی که منصب را قبول کرده بود، موچلگا گرفته می شد. در این تعهد نامه پذیرنده منصب متعهد می شد که آن شغل را طبق موچلگا به نحو احسن انجام دهد. از سوی سلطان مکتوبی صادر می شد به «اصحاب دیوان بزرگ» که بر اساس آن منصبی را به فلان شخص واگذار کنند و بر اساس تعهدنامه از وی باز خواست نمایند. نمونه ای از مکتوب چنین است: «چون به حکم یرلیغ همایون لازل نافذاً و مطاعاً ترتیب مصالح کرکیراق خاص و مهمات امانتی بدین بنده و بنده زاده کمینه فلان بن فلان تفویض رفته و حل و عقد آن به رأی او منوط و موکول شده عهد می کند که اهتمام بدین خدمات بر وجهی نماید که امانت و دیانت او در حضرت همایون خلد ملکه پسندیده آید... و به هر وقت که رأس المال معین باشد کمترین بندگان در تصدی این اشغال شرایط امانت و دیانت مرعی دارد و رعایت غبطه بندگی حضرت واجب داند و با هیچ آفریده از خانیان متفق نشود و رخصت خیانت ندهد و نگذارد که یک دانه زر و یک گز جامه از مال بندگی حضرت تلف آید...»<sup>۲۳</sup>

«اصحاب دیوان بزرگ» پس از وزیر عبارت بودند از «الغ بیتکچی، مستوفی، مشرف، ناظر، حکم، حافظ مال و منشی»<sup>۲۴</sup> چهار منصب نخست هر یک در رأس دیوانی قرار می گرفتند و بدین ترتیب بخشی از وظایف دیوان بزرگ از طریق دیوان هایی که آنان در رأس آن قرار گرفته بودند، انجام می گرفت. «حکم ممالک» منصبی بود که مسئول حل و فصل اختلافات در دیوان سلطنت و وزارت محسوب می شد.<sup>۲۵</sup> «حافظ مال» یا «حافظ مال ممالک»<sup>۲۶</sup> نیز از جمله مناصب دیوان بزرگ بود که گویا صاحب آن مسئول نگهداری اموال و دارایی های دیوان بوده است. منشی ممالک در دیوان «انشاء ممالک» مسئول نوشتن احکام و فرامین بود. مورد اعتماد و راز دار بودن و تسلط بر اصول صحیح نامه نگاری از ویژگی های منشی ممالک بود. به گفته نخجوانی او باید به گونه ای بنویسد که «میان ملوک و حکام اتفاق نظر پدید آید».<sup>۲۷</sup>

دیوان بزرگ دارای دفاتر و اسناد مهمی بود که به وسیله یک «دفتر دار» اداره می شد. وی دارای منشیان مبرز و کاتبانی کارآموده بود. اهمیت منصب دفتر دار به حدی بود که انتخاب وی توسط سلطان انجام می گرفت.<sup>۲۸</sup> پیش از دوره مغول منصب دفتر داری در ایران وجود نداشت و به گفته نخجوانی، این شغل از زمان شمس الدین جوینی مرسوم گردید.<sup>۲۹</sup> هدف از به کارگیری دفتر دار آن بود «که جهت تحقیق هر حقی از آن مستحقی چون ادرار و تخفیف و اسقاط و مردود و احتسابی و املاک و مرسوم و معیشت و سیورغال و

گرچه دیوان سلطنت را «دیوان اعلی» لقب داده بودند، اما در عمل دیوان وزارت (دیوان بزرگ) نظارت بر کلیه دیوان‌های عصر ایلخانی را بر عهده داشت

در کتاب نخجوانی (دستور الکاتب فی تعیین المراتب)، بیش از سی مورد عنوان‌های مختلف مالیاتی ذکر شده است که همگی حکایت از دستگاه عریض و طویل مالیاتی عهد ایلخانی است



سندوقچه فلزی (ذرح برنجی)، قرن هفتم هجری، موزه ویکتوریا-آلبرت لندن

در منابع راجع به محل «دیوان خانه بزرگ» اشاره‌ای نشده است، اما اشاره‌ای که مؤلف کتاب روضة الصفا به عمارت «کریاس» در سلطانیه دارد - که گویا محل دیوان اعلی یا دیوان سلطنت بوده - و گنجایش دو هزار نفر را داشته،<sup>۳۴</sup> حاکی از وسعت امور دیوانی در دوران پایانی عهد ایلخانی است.

#### عواید و مخارج دیوان بزرگ:

برای اداره قلمرو وسیع ایلخانی و نگهداری سپاه بزرگ آن، احتیاج به درآمدهای هنگفتی بود. این درآمدها باید توسط دیوان بزرگ جمع‌آوری و هزینه می‌شد. گرچه سپاه زیر نظر وزیر نبود و در این دوره در مجموع، دیوانی به نام دیوان عرض وجود نداشت؛<sup>۳۵</sup> اما رسیدگی به امور مالی سپاه از وظایف وزیر بود و او باید می‌توانست لشکر را فراهم می‌ساخت. بنابراین بخشی از عواید دیوان بزرگ صرف هزینه‌های نظامی می‌شد. عمده‌ترین منبع درآمد دیوان بزرگ مالیات‌های مختلفی بود که از ایالات و ولایات دریافت می‌شد، بنابراین بار اصلی بردوش رعایا گذاشته می‌شد و به قول رشیدالدین فضل‌الله «خزینة دخل رعیت»<sup>۳۶</sup> بود.

علاوه بر مالیات بر کشاورزی و تجارت،<sup>۳۷</sup> بر کسب و کارهای

غیر آن از واجبات هر کس که به دفتر حاجت افتدی در هر شهر و ولایت که بودی رجوع با او کردند و او دفاتر آن ولایت طلبیده صورت واقعی را به وزیر اصحاب دیوان باز نمودی و دفتر به عرض رسانیدی تا هیچ آفریده را شکی و شبهتی نماندی.»<sup>۳۸</sup>

اولین دفتر دار عهد ایلخانی «خواجه جمال الدین منشی» بود که شمس الدین جوینی او را منصوب کرد. جمال الدین منشی «متوجهات هر شهر و ولایت و ناحیت را که تعلق بدان ولایت داشت مضبوط گردانید و جمع و خرج را ماه به ماه و سال به سال در دفاتر اثبات کرد.»<sup>۳۹</sup>

وزیر در دیوان بزرگ دارای «نایب» بود. نیابت وزارت را به شخصی واگذار می‌کردند که به اوضاع مملکت و قواعد ملکداری کاملاً آگاه بود. وی مانند وزیر حق تفحص و تحقیق در کلیه قضایای دیوانی و بررسی «دفاتر» و «روزنامه‌جات» را داشت. او باید از درآمدها و هزینه‌ها کاملاً آگاه بود.<sup>۴۰</sup> امور انتظامات شهرها نیز از وظایف دیوان بزرگ محسوب می‌شد. مناصب شحنگی، امارات عسس (مأمور انتظام شب) و محتسب، جملگی از سوی دیوان بزرگ منصوب و صاحبان این مناصب زیر نظر دیوان بزرگ کار می‌کردند.<sup>۴۱</sup>

سکه درهم، دوره الجایتو (۱۳۱۶-۱۳۰۴ م. / ۷۱۶-۷۰۳ هـ.)



تشکیلات پیام رسانی و ارسال فرامین و احکام بود که تحت عنوان «یام» یا «چاپار» از آن یاد شده، البته در منابع گاه این مورد از هزینه‌ها جزو مخارج دیوان اعلی و تحت عنوان «مقرریه» آمده است.<sup>۳۳</sup>

#### دیوان استیفاء:

تشکیلات مالی مملکت به وسیله این دیوان اداره می‌شد و تابع دیوان بزرگ بود. ریاست آن را مستوفی الممالک بر عهده داشت. نخجوانی این منصب را «استیفاء ممالک» نامیده است. چنانکه گذشت وی جزء «اصحاب دیوان بزرگ» بود. از ویژگی‌های مستوفی الممالک، از یک سو ذکاوت و دقت عمیق و از سوی دیگر تبحر کافی در «فن سیاق که مدار جمع و خرج مملکت بر آنست» بود. از وظایف دیوان استیفاء رسیدگی به وجوهات خزانه و تهیه حقوق لشکریان از منابع مالی مملکت بود. مستوفی موظف بود دیوان مالی را به گونه‌ای تنظیم نماید که «در حل و عقد امور مملکت و قبض و بسط مصالح ملک و ملت و توجیه مال و متوجهات و اطلاق مراسم و معایش ادارات بر وجهی که مستصوب رأی روشن او باشد».<sup>۳۴</sup> از وظایفی که نخجوانی برای مستوفی برمی‌شمارد چنین بر می‌آید که کلیه امور مالی که مربوط به دو دیوان سلطنت و وزارت بود، بر عهده مستوفی و دیوان استیفاء بود؛ کتاب و بیتکچیان و محرران دیوان جملگی باید دفاتر «جمع و خرج» مملکت را نزد او برده و وی را نسبت به کلیه امور مالی آگاه نمایند.

مستوفی در تصمیم‌گیری‌ها قدرت وسیعی داشت و سفارش شده بود که در کارها برای او «شریک» قرار ندهند. مستوفی نیز مانند دیگر رؤسای دواوین دارای نواب و گماشتگان در تمام ولایات مملکت بود و به وسیله آنان امور محوله را به انجام می‌رسانید.<sup>۳۵</sup> گویا این نواب که به ایالات اعزام می‌شدند، دارای قدرت و اختیارات وسیعی بودند و می‌توانستند خود «قانون» وضع کنند. آق سرائی گزارشی از اعزام یکی از این نواب آورده است: «در این سال [۶۹۹ هـ ق] نظام الدین یحیی وجهی که وزیر و وزیر زاده خراسان بود جهت

مختلف شهری نیز عوارض بسته بودند. در زمان الجایتو حتی بر «خمارخانه‌ها و مصطبه‌ها» نیز عوارض و مخارج وضع شده و عواید آن به خزانه دیوان فرستاده می‌شد.<sup>۳۸</sup> کسانی هم که برای حکومت و مردم مشکلاتی فراهم می‌آوردند، اموالشان به نفع دیوان مصادره می‌گردید. در مکتوبی از رشیدالدین فضل‌الله به فرزندش در باب مشکلاتی که عده‌ای از کوچ نشینان خوزستان برای مردم محل ایجاد کرده بودند، آمده است که «اگر چنان چه من بعد در صحرای مشکوک دوبندار فرود آیند اجازت داده‌ایم که مشارالیه ایشان را دست بسته به اردوی اعظم فرستد و مال ایشان دیوانی کرده به وجه مرسومات لشکر آنجا نشاند».<sup>۳۹</sup>

در مقابل «دخل» دیوان، مخارج و هزینه‌ها قرار داشت، که باید توسط دیوان بزرگ بررسی و هزینه شود. این مخارج شامل امور عدیبه‌ای بود، از جمله «ادارات، مسامحات و صدقات»، موجب دیران و کارگزاران دیوان و مصارف «آش» و علوفه سپاه.<sup>۴۰</sup> چنانکه گفتیم، ایلخانان نسبت به امور خیریه و علما و زهاد و مشایخ توجه خاصی نشان می‌دادند. رسم پرداخت صدقات و ادارات و از این قبیل اعانات در این دوره فراوان دیده می‌شود. در این میان غازان خان، سرآمد بقیه ایلخانان محسوب می‌شد: «حکم فرمودیم که از وجه که به خزانه آورند به هر ده دینار یک دینار و به هر ده تا جامه و عشر دیگر اجناس علی‌حده جدا گردانند و به خواجه‌سرای سپارند که جهت این مصلحت معین شده تا خازن آن وجوه باشد و همواره آن را به درویشان و مستحقان می‌رساند و غیر مستحق را هیچ وجه از آن ندهد از خزانه اصل (خزانه دیوان بزرگ) برسانند».<sup>۴۱</sup> و صاف نیز از این عطایایی نصیب نماند. وی هنگامی که بخشی از کتاب خود را به غازان خان هدیه کرد، علاوه بر گرفتن جامه‌ای زیباقت فرمان «آلتون تمغا» نیز در حقش صادر شد تا حقوق وی بدون انقطاع مجری گردد.<sup>۴۲</sup>

بخش دیگر هزینه‌ها مربوط به بنای عمارات و ابنیه‌های عام‌المنفعه مثل مدارس و مساجد و... بود و بخش دیگر مربوط به

واگذاری مناصب به وسیله دیوان بزرگ بر اساس قاعده «موجلگا» (تعهدنامه) بود که از پذیرنده منصب گرفته می‌شد مورد اعتماد و رازدار بودن و تسلط بر اصول صحیح نامه نگاری از ویژگی‌های منشی الممالک بود

- ۱۸ - همان، جلد دوم، ص ۱۲۱. رسیدگی به امور مالی سپاه از  
 ۱۹ - لمبتون، آن: مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری، تهران. وظایف وزیر بود و او باید  
 بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۵، ص ۱۶۵. مایحتاج لشکر را فراهم  
 ۲۰ - المازندرانی، همان، صص ۷۲ و ۱۴۹ و صفحات متعدد کتاب. می ساخت. در واقع در دوره  
 ۲۱ - نخجوانی، همان، جلد اول، جزء دوم، ص ۷۱. ایلخانی دیوانی به نام دیوان  
 ۲۲ - رشید الدین فضل الله، همان، مکتوب ۸. عرض وجود نداشت  
 ۲۳ - نخجوانی، همان، جلد اول، جزء دوم، صص ۴۹۲ و ۴۸۸.  
 ۲۴ - همان، ص ۱.  
 ۲۵ - همان، ص ۷۱.  
 ۲۶ - همان، ص ۷۴.  
 ۲۷ - همان، جلد دوم، صص ۱۱۸-۱۱۷.  
 ۲۸ - بیانی، شیرین: تاریخ آل جلائر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،  
 ۱۳۴۵، ص ۱۸۶.  
 ۲۹ - نخجوانی، همان، جلد دوم، جزء دوم، صص ۱۲۶.  
 ۳۰ - همان، صص ۱۲۶-۱۲۵.  
 ۳۱ - همان، ص ۱۲۸.  
 ۳۲ - همان، صص ۱۲۳-۱۲۲.  
 ۳۳ - بیانی، شیرین، همان، ص ۱۸۹.  
 ۳۴ - میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی: روضة الصفا، ج ۵، تهران.  
 چاپخانه پیروز، ۱۳۳۹، ص ۴۲۸.  
 ۳۵ - لمبتون، آن: تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه دکتر یعقوب  
 آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲، ص ۶۸.  
 ۳۶ - مکاتبات رشیدی، همان، مکتوب ۲۲، ص ۱۱۹.  
 ۳۷ - جامع التواریخ، ج ۲، ص ۱۳۷۴.  
 ۳۸ - وصاف، همان، ص ۵۲۱.  
 ۳۹ - مکاتبات رشیدی، مکتوب ۳۳، صص ۱۷۸-۱۷۷.  
 ۴۰ - وصاف، همان، ص ۴۱۵.  
 ۴۱ - جامع التواریخ، ج ۲، ص ۱۳۶۸.  
 ۴۲ - وصاف، همان، ص ۴۰۷.  
 ۴۳ - المازندرانی، همان، صص ۱۶۴ و ۱۴۶ و ۱۲۵.  
 ۴۴ - نخجوانی، همان، ج ۲، صص ۹۵-۹۴.  
 ۴۵ - همان، صص ۹۹-۹۸.  
 ۴۶ - آق سرائی، محمود بن محمد: تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و  
 مسامرة الاخبار، به اهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران، تهران، انتشارات  
 اساطیر، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸.  
 \* مساعده ای که به لشکریان پرداخت می شد.  
 \*\* محل نگه داری شمشیر (اسلحه خانه).  
 \*\*\* اصطبل شاهی.
- استخراج مال و متوجهات و استکشاف قسمتات و عوارض و وضع  
 قانون و ولایت به موجب حکم یرلیغ به روم آمد.»<sup>۴۶</sup>  
 مالیات در عهد ایلخانی دارای انواع مختلف بود، در منابع  
 واژه ها و اصطلاحات متعددی که اشاره به مالیات دارد، آمده است. در  
 کتاب نخجوانی بیش از سی مورد، عنوان های مختلف مالیاتی ذکر  
 شده است که همگی حکایت از دستگاه عریض و طویل مالیاتی در  
 این عهد است.
- پی نوشت ها:  
 ۱ - نخجوانی، محمد بن هندوشاه: دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به  
 سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، جلد دوم، مسکو،  
 اداره انتشارات دانش، ۱۹۶۴ میلادی، صص ۱۲۹-۱۲۶.  
 ۲ - بیانی، شیرین: دین و دولت در ایران عهد مغول، جلد اول، مرکز نشر  
 دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۳۵۲.  
 ۳ - منشی کرمانی، ناصرالدین: سمط العلی للحضرة العلیا در تاریخ  
 فرائضیان کرمان، تصحیح عباس اقبال، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ دوم،  
 ۱۳۶۲، ص ۷۷.  
 ۴ - وصاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله شیرازی: تجزیة الامصار و  
 تجزیة الاعصار، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بمبئی، ۱۲۶۹ هـ. ق. ص  
 ۳۲۸.  
 ۵ - نخجوانی، همان، ص ۳۵۷.  
 ۶ - همان، جلد اول، جزء دوم، ص ۳۹.  
 ۷ - وصاف، همان، ص ۳۲۸.  
 ۸ - همدانی، رشید الدین فضل الله: جامع التواریخ؛ به تصحیح و تحشیه  
 محمدروشن - مصطفی موسوی، جلد دوم، نشر البرز، تهران، ص ۹۷۵.  
 ۹ - همان، ص ۱۰۶۱.  
 ۱۰ - همان، ص ۱۲۴۲.  
 ۱۱ - المازندرانی، عبدالله بن محمد بن کیا: رساله فلكیه در علم سیاق،  
 به تصحیح والتر هینتس، چاپخانه فرانس اشتاینر، ویسبادن آلمان، ۱۹۵۲  
 میلادی، ص ۶۵.  
 ۱۲ - نخجوانی، همان، جلد اول، جزء دوم، صص ۱۹۴-۱۹۳.  
 ۱۳ - المازندرانی، همان، ص ۱۶۳.  
 ۱۴ - نخجوانی، همان، جلد اول، جزء دوم، ص ۳۸۲.  
 ۱۵ - همان، ص ۵۳.  
 ۱۶ - همدانی، رشید الدین فضل الله: مکاتبات رشیدی. (گردآورنده مولا  
 محمد ابرقویی) تصحیح محمد شفیع، ایجوکیشنل پرس، پنجاب، ۱۱۳۶۴  
 هـ. ق. مکتوب ۳۱، صص ۱۷۲-۱۷۱.  
 ۱۷ - نخجوانی، همان، جلد اول، ص ۲۵۶.